

# از دواج در میان ترکمنها



خانواده با خوشحالی می گوید: «یک مشت اضافه شد.» و بر همین اساس زنان در رابطه با میزان باروری و تعداد فرزندان پسر مورد ارزیابی قرار می گیرند.

۳ - تشکل و استقلال:

هویت شخص در جامعه هنگامی به رسمیت شناخته می شود که به خانواده ای تعلق داشته باشد. از سوی دیگر هر فرد با تشکیل خانواده امکان استقلال و تصمیم گیری در زندگی خود را می یابد. در بین ترکمنها این مسئله در مورد مردان مصداق کامل دارد. در تأیید این مطلب می توان به تقسیم آب و زمین بر مبنای تأهل در بین ترکمنها اشاره کرد که به افراد مجرد سهمی از تولیدات و نعم اجتماعی تعلق نمی گرفته است. زنان نیز گرچه بعد از ازدواج تحت نظارت شوهر خویش عمل می کنند ولی می توان گفت که نسبت به دوران قبل از ازدواج در امور داخلی مربوط به خانه از استقلال عمل بیشتری برخوردار می باشند.

۴ - همبستگی قومی و تقویت آن:

خانواده در بین ترکمن به عنوان یک واحد تشکیل دهنده «او به» (که یک واحد اقتصادی است) در یک شبکه خویشاوندی در رابطه با طایفه قرار می گیرد از آنجا که اتحاد در درون طایفه امری حیاتی جهت تداوم زندگی بشمار می رود، خانواده به عنوان جزئی از این نظام یکپارچه از اهمیت بسیار برخوردار می باشد، هر آلا جیق تازه ای که در «او به» بر پا می شود بر

عمومیت ازدواج بطور کلی عوامل و شرایط گوناگونی در شکل گیری امر ازدواج و عمومیت آن در بین ترکمن های ایران وجود دارد که مهمترین آنها بقرار زیر است.

۱ - مذهب و سنت:

شیوه زندگی ترکمنها تحت تاثیر سنتها و عادات و نیز قوانین اسلام قرار دارد و به این لحاظ ازدواج نیز که به عنوان یک امر ضروری جهت حیات فردی و اجتماعی در قوانین اسلامی مطرح است در بین ترکمنها که پیرو سنن و از شاخه حنفی می باشند محترم شمرده می شود.

۲ - اولاد:

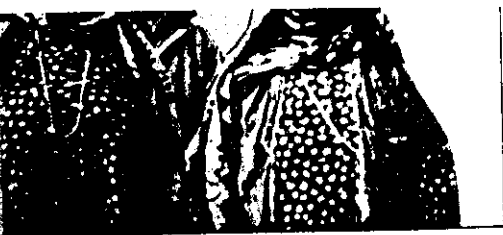
رشد و ادامه حیات بستگی به تولیدمثل دارد. این امر در همه جوامع مسلم و پذیرفته شده است. لیکن با توجه به بافت هر جامعه و ارزشهای حاکم بر آن می توان مشاهده کرد که اولاد ذکور یا اناث از ارجحیت برخوردار باشند. در بین ترکمنها نیز تعدد فرزند موجب تقویت و تحکیم خانواده و طایفه تلقی می گردد و در این میان فرزندان ذکور به دلیل ساخت حاکم بر جامعه از امتیازات بیشتری برخوردار می باشند. قوم ترکمن که در گذشته زندگی شبنانی داشته همواره نیازمند به رشد جمعیت بوده است تا در امر جنگها و پاسداری از حریم چراگاهها پیروز و موفق باشد. به همین جهت است وقتی که فرزند پسر متولد می شود، پدر

شناخت یک جامعه مستلزم شناخت نهادهای تشکیل دهنده آن است و خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی که متاثر از ساخت کلی جامعه است مورد توجه قرار می گیرد و ازدواج که نقطه آغاز تشکل این واحد اجتماعی است نه صرفاً از جنبه زیست شناختی آن، بلکه در یک سلسله روابط اجتماعی، در هر جامعه ای با ویژگیهای خاص آن جامعه مورد بررسی قرار می گیرد.

در بین اقوام مختلف ایرانی ازدواج به عنوان یک امر مسلم ضروری در حیات اجتماعی مطرح می شود. این ضرورت و نیاز، به دلیل ایجاد پیوندهای پایداری در جهت حفظ و تداوم کارکردهای خانواده و خویشاوندی حائز اهمیت است.

بررسی آداب و رسوم و قوانین مربوط به ازدواج در میان ترکمن های ایران می تواند در شناخت هر چه بیشتر این قوم و روشن ساختن نقش زنان به عنوان نیمی از جامعه ترکمن، اهمیت و کارکردهای امر ازدواج را در بین آنان روشن سازد.

در بین ترکمنها ازدواج متاثر از ساخت خانواده و نظام خویشاوندی تابع اصل پدر تباری است و به این لحاظ کارکردهای مترتب بر آن با توجه به این اصل و در جهت حفظ و تقویت آن شکل می گیرند، چنانکه هر ازدواجی بمنظور تداوم نسل سعی در تولید فرزندان ذکور دارد.



معمول نبوده ولی بعضی اوقات بین «او به» کوچکتر و «او به» بزرگتر برای اتحاد و تقویت وصلت صورت می گرفته است.

### چند همسری و علل آن

از جمله موارد تعدد زوجات در بین ترکمنها می توان به نازایی یا دخترزایی زن و یا بیماری و از کار افتادگی وی اشاره کرد. شیوه معیشت و سهم زن در اداره امور خانه و نقش بسزایی که در تولید اقتصادی خانواده به عهده دارد موجب می شود که در صورت بیماری و از کار افتادگی زن، مرد همسر دیگری اختیار کند.

در برخی موارد زنان اول، خود اقدام به این کار می کنند و برای شوهر خود همسر جوان و فعالی انتخاب می نمایند تا بدین وسیله از بار سنگین وظایفی که بر دوش آنان است کاسته شود. هنگامی که زن جدید به خانه می آید، زن اول از او استقبال می کند و وی را در آغوش گرفته سپس پای راست خود را بر روی پای چپ او قرار می دهد. او با این کار نشان می دهد که زن تازه وارد باید همواره از او اطاعت کند.

به طور کلی در میان علل چند همسری مردان ترکمن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - بیماری و از کار افتادگی زن که در نتیجه آن نقش تولیدی وی در خانواده کاهش می یابد.

۲ - نازا بودن یا نداشتن فرزند ذکور: فرزندان متعدد موجب تقویت خانواده و فرزند ذکور موجب ادامه نسل می گردد و به همین سبب سرگام زنی نتواند فرزند پسر به دنیا آورد عموماً شوهر، همسر دیگری خواهد کرد.

۳ - نقش زن در تولید و تأمین معاش خانواده: زنان به عنوان یک نیروی کار ارزشمند در خانوار به حساب می آیند و هر چه نیروی کار بیشتر باشد تولید و ثروت خانواده

یکدیگر در می آورند. در این نوع ازدواج مهریه حذف نمی شود. این نوع ازدواج در گذشته بسیار رایج بوده و امروزه بخصوص در مناطق شهری به دلیل آشنایی با عواقب آن که در موارد متعددی به ناسازگاری می انجامد، کاهش یافته است.

### \* صورتی دیگر از ازدواج که در واقع

عروسی دوم محسوب می شود

به این صورت است که زن بیوه که شوهر ندارد و حاضر نیست در منزل شوهر فوت شده بماند، به ریش سفیدان قبیله خود پیغام می دهد و آنها او را می برند و به ازدواج مرد دیگری در می آورند.

### \* ازدواج به صورت خون پس

این نوع ازدواج در بین ترکمن ها قبلاً بوده ولی حالا وجود ندارد و ترکمنها بیشتر انتقام خون مقتول را می گیرند. اگر طایفه قاتل از عواقب عمل قتل می ترسیدند، قاتل را به صورت سگ زنجیری جلوی منزل مقتول می بستند و می گفتند: قاتل در اختیار شماست. (سگ زنجیری شماست و هر کاری که می خواهید با او بکنید، در واقع خانواده قاتل با اتخاذ این روش جلوی هر نوع ادامه خصومت را می گرفته است).

### \* ازدواج به صورت باقل ماق: (Daghet, Magh)

هنگامی که شوهر زنی فوت می کند، خانواده شوهر برای این که عروسشان در خانواده شوهرش باقی بماند، وی را به عقد برادر کوچکتر همسرش، در می آورند و حتی در مواردی که برادر کوچکتر متأهل باشد نیز این نوع ازدواج می تواند صورت گیرد. در واقع می توان گفت این نوع ازدواج به منظور جلوگیری از متلاشی شدن خانواده مسترفی صورت می گیرد.

### \* ازدواج های سیاسی

این نوع ازدواج در بین ترکمنها زیاد

می دهند، عروسی از آن خانواده به خانه خود می آورند، و اغلب در مواردی که داماد قادر به پرداخت مهریه نباشد صورت می گیرد. این نوع ازدواج در میان عشایر بختیاری، «گاو به گاو» و در میان کردها «زن به زن» نامیده می شود.

### \* ازدواج به صورت «آلب قاجماق»

آلب قاجماق یکی از انواع ازدواج است که به صورت فراری دادن دختر خانواده و ازدواج با وی می باشد و معمولاً در صورت عدم رضایت خانواده دختر صورت می گیرد. در این نوع ازدواج حتی ممکن است دختر راضی به ازدواج نباشد ولی بهر حال پس از ربوده شدن دختر، خانواده وی ترجیح می دهند که با ازدواج موافقت کنند و طبق رسوم در چنین حالتی دختر دیگر نمی تواند به خانواده خود برگردد. همچنین اگر دختری برخلاف میل پدر و مادرش با پسری ازدواج کند از خانواده طرد می شود. در مواردی که خانواده داماد پس از پرداخت شیربها و مهریه و هدایا نتواند عروس را با خود ببرند، به زور متوسل شده و سعی می کنند عروس را به ترتیبی برابند، این رسم به شکل ربودن عروس توسط خانواده و دوستان داماد در بسین بیشتر ملل قدیمی مخصوصاً در شرق وجود دارد.

چنانچه هیچیک از خانواده ها راضی به ازدواج دختر و پسر نباشند آنان (دختر و پسر) پس از فرار به نزدیکی از خانواده های معتمد و با نفوذ از طایفه خودشان حتی در روستای دیگر پناه می برند و معمولاً این فرد به آنان پناه می دهد و موجبات ازدواج آنان را فراهم می سازد. امروزه در روستاها این نوع ازدواج در برخی موارد به دلیل عدم توانایی پرداخت مهریه مشاهده می شود.

### \* ازدواج به صورت «آداماق»

یعنی دختر و پسری را از دو خانواده از دوران کودکی نامزد می کنند. برای مثال برادر و خواهری فرزندان خود را در کودکی به نامزدی



افزایش خواهد یافت. این امر می‌تواند علتی برای تعدد زوجات باشد.

### مراحل ازدواج

ازدواج در بین ترکمنها با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌شود و هر گوشه از این مراسم نشانگر بخشی از باورها و ارزشهای حاکم بر جامعه آنان است.

#### مراحل ازدواج عبارتند از:

— تصمیم‌گیری پدر و مادر داماد و جلب موافقت پدر عروس که به آن «سوزآتمک» یعنی «اطلاع دادن» می‌گویند. در این مرحله پدر خانواده در مورد ازدواج فرزند و وصلت با خانواده‌ای هم سطح با خودشان تصمیم می‌گیرد و یکی از افراد مسن و باتجربه فامیل را جهت نظرخواهی نزد خانواده دختر می‌فرستد و در صورت رضایت پدر دختر مراحل بعد انجام می‌شود.

در مرحله تصمیم‌گیری، زنان نقش زیادی نداشته و در برگزاری مراسم ازدواج است که وظایف زنان آغاز می‌شود. در گذشته تصمیم‌گیری در مورد ازدواج معمولاً بدون اطلاع داماد صورت می‌گرفته است.

— در مرحله بعد مراسم خواستگاری برگزار می‌شود. به این ترتیب که خانواده داماد پس از اطلاع از موافقت خانواده عروس، در وقت و ساعت مناسب و معینی گروهی از زنان خویشاوند را به خانواده عروس می‌فرستند و خانواده دختر از میهمانان پذیرائی می‌کنند. تعیین این روز بر اساس باورها و اعتقادات آنها صورت می‌گیرد. ترکمن‌ها اعتقاد دارند بعضی از روزها ستاره‌دار یعنی بدشگون (یولدوزگون) می‌باشد. این مراسم «دوزدادرمگ / شیرینی رد کردن» نامیده می‌شود و اصطلاح «دوزدادشمک» یا نمک‌خوری نیز در مورد آن به کار می‌رود. در

این مراسم فقط زنان شرکت دارند. در میان طایفه «تکه» در طی این مراسم از طرف خانواده داماد در حدود ۱۲ ساجاق (مقدار یک سفره را ساجاق گویند) به‌خانه عروس می‌آورند، در داخل ساجاق معمولاً انواع مختلف نان‌های روغنی و معمولی که توسط زنان پخته می‌شود مانند قتیبر، قاتلمه، اکمیک، پشیمه قرار می‌دهند. در مورد تعداد ساجاق قبلاً مشورت می‌شود. در خانواده عروس نیز به همان تعداد ساجاق تدارک دیده می‌شود. (در اغلب موارد بستگان در تأمین ساجاق پیشقدم می‌شوند.) رد و بدل کردن ساجاق بین دو خانواده عروس و داماد به‌انگیزه ایجاد رابطه صورت می‌گیرد و نان و شیرینی مصرفی عروسی نیز به این طریق تأمین می‌گردد.

— مرحله بعد تعیین قیمت عروس یا میزان شیربها است که توسط «باشولی‌ها» (ریش سفیدان) انجام می‌گیرد. (البته زنان از قبل نظرشان را اعلام می‌کنند.) سپس تاریخ عروسی مشخص می‌شود.

— مرحله بعد انجام مراسم عروسی است، به‌مناسبت عروسی، خانواده داماد گوسفندی را ذبح می‌کنند و راسته (دوش) آن را با سکه نقره تزئین می‌کنند و به‌همراه هدایای دیگری به‌منزل عروس می‌برند. (این عمل در مراسم عید قربان هر سال اجرا می‌شود) عروس در این روز در آلایچی دیگر یا منزل یکی از نزدیکان، مانند برادر یا عموی خود می‌نشیند و صورت خود را در مقابل زنان فامیل داماد می‌پوشانند. پوشاندن صورت در مقابل مادرشوهر گناه تا سالها بعد از ازدواج ادامه دارد و به‌نشانه احترام به‌مادر شوهر محسوب می‌شود. عروس در مقابل زنان بزرگتر فامیل شوهر و خصوصاً مادرشوهر خود بسیار کم صحبت می‌کند و در مواردی در مقابل مادرشوهر خود تا مدتها هیچ سخنی بر زبان نمی‌آورد. در گذشته رسمی بنام «گنش توی» geneshtoy با جشن مصلحت وجود داشته است. به‌محض اینکه خانواده‌ای اعلام می‌کرد تصمیم

به‌برگزاری مراسم یا انجام کاری از جمله مراسم عروسی در آنجا تساهست خانواده در همسایگی آنان در انجام مراسم به‌آن خانواده یاری می‌رسانده‌اند. امروزه نیز این رسم پسندیده در میان طوائف ترکمن مشاهده می‌گردد. از جمله آنکه در مراسم عروسی در تهیه و طبخ غذا و رساندن پیغام و تزئین کجاوه عروس و برپا نمودن آلایچی جدید چنین مشارکتی وجود دارد. روز دوم عروسی میهمانان در منزل داماد گرد می‌آیند و کجاوه‌ای را تزئین نموده بر شتری قرار می‌دهند و برای بردن عروس که در منزل یکی از بستگان نزدیک، مثلاً عمو بسر می‌برد، می‌روند. داماد و دوستانش در خانه منتظر عروس می‌مانند.

در گذشته شتر را با پارچه‌های قرمز می‌پوشاندند و مهار شتر را بدست زنی مسن و دولتمند (به‌نیت اینکه زندگی آینده عروس مثل او بشود) می‌سپردند. زن دولتمند به‌این معنا که شوهر و فرزندانش همگی زنده و سالم باشند و زندگی خوش و سعادت‌مندی داشته باشند. امروزه برای بردن عروس از اتومبیل استفاده می‌شود. موقع بردن عروس روسری چارشو قرمز رنگ به‌سر عروس می‌اندازند (قرمز در بین ترکمن نشانگر شادی است) و مادر عروس مقداری آرد سفید به‌نشانه برکت به‌سر عروس می‌ریزد. هنگامی که بستگان داماد با کجاوه برای بردن عروس می‌آیند زن برادر یا خواهر داماد زنگوله بزرگی را به‌صدا در می‌آورد و بدین وسیله آمدن کجاوه را اطلاع می‌دهد. در خانه عروس مقدمات پذیرایی از آنها آماده شده است و ینگه‌ها (ساق‌دوش‌ها)ی عروس که بیشتر خواهرها یا زن برادرانش می‌باشند تعیین شده‌اند.

به‌هنگام بردن عروس، میان زنان خانواده‌های داماد و عروس نزاع ساختگی درمی‌گیرد که اصطلاحاً آن را «آلاش» یا «دالاش» یا «ایاق آماق» می‌گویند. سپس عروس را به‌همراه ینگه‌هایش با شادی و پایکوبی با خود به‌خانه داماد می‌برند. در آنجا

قدرت تیره می‌افزاید و هر خانواده جدید در بدو پیدایش خود از جانب افراد تیره مورد حمایت قرار می‌گیرد.

### عوامل موثر در انتخاب همسر

در جوامع ایلی و در بین اقوام ایرانی ترکمن با توجه به ساخت نظام خویشاوندی و پدر سالاری حاکم بر این نظام، تصمیم‌گیری در موارد ازدواج فرزندان با پدر خانواده است، تنها امور مربوط به مراسم ازدواج را زنان به عهده می‌گیرند.

پدر بر اساس مصالح و نیازهای خانواده و در ارتباط با ارزشهای حاکم بر طایفه شرایط ازدواج را تعیین کرده و به انتخاب همسر برای فرزند خویش می‌پردازد. گرچه قوانین حاکم بر جامعه پدر سالاری در همه جوامع از خصوصیات مشترکی پیروی می‌کنند، با اینحال در هر جامعه می‌توان ویژگیهای خاصی را که متأثر از سنت‌ها و فرهنگ آن جامعه می‌باشد مورد بررسی قرار داد. نمود بارز مناسبات پدر سالاری را در ازدواج‌های اجباری دختران می‌توان مشاهده کرد.

این ازدواج‌ها بدلیل مصلحت‌های قومی یا مسائل اقتصادی اجباراً از جانب پدر به دختر تحمیل می‌شده است، که بازتاب آن را در ادبیات شفاهی ترکمن بصورت **لَهْ لَهْ (Lale)** که ظریف‌ترین، زیباترین، غنی‌ترین و واقعی‌ترین شعرهای ترکمنی هستند و اغلب سرایندگان آنها دختران گمنام می‌باشند می‌توان مشاهده کرد. در این آوازاها، آنان از رنج دوری خانواده و زندگی با بیگانه‌ای که دل‌بستگی به او ندارند سخن می‌گویند. به عنوان نمونه قسمتی از یکی از مشهورترین **لَهْ لَهْ** بنام «چو نقر قوی» یا چاه عمیق احساسات یک دختر ترکمن را در ارتباط با موضوع فوق به خوبی نمایان می‌کند.

چو نقر قو یاداش ات سنگ

اگر به چاه زرفی سنگی بیندازی

چو نقر قو راجه جان

مادر جان، آن سنگ، گم می‌شود

یا دایل لره قیز بر سنگ

اگر به ایل بیگانه هم دختر بدمی

پتر گذرا چه جان

مادر جان، دختری می‌رود و گم می‌شود

یاد ایل لر، یامان ایل لر

در ایل بد، این ایل بیگانه

اوتورده منی اورتیمده

من جای مناسبی ندارم

نقطه قولانگ، ساچی

تلخی و زحمت زندگی نگذاشت موهای

دارا ثمادی و قتیتمده

سیاه و بلندم را به موقع شانه بزنم

یقشی قیز یامان پرده

دختر خوب شما. جای بدی افتاده

دشمنان باسین شو پرده

الهی دشمن بدر من گرفتار شود<sup>(۱)</sup>...

ترکمنها در انتخاب همسر عوامل و شرایط خاصی را دخالت می‌دهند و در برخی موارد پافشاری آنان در رعایت برخی از این قوانین تا حدی است که ازدواجی خارج از آن قاعده را عرفاً به رسمیت نمی‌شناسند. از جمله عواملی که در انتخاب همسر دخالت دارند عبارتند از:

#### ۱ - مذهب:

ترکمن‌های ایران اهل تسنن و از شاخه حنفی هستند و به معتقدات و قوانین مذهبی بسیار پایبند هستند و در انجام همه امور زندگی به این قوانین متکی می‌باشند. بر طبق مسأله وجوب ازدواج زنان با افراد غیر مسلمان در بین ترکمن‌ها به شدت رعایت می‌شود.

همچنین دایره ازدواج در بین مسلمانان با تعیین محارم و قوانین منع ازدواج با محارم مشخص شده است و آنان نیز این حدود را بر طبق عرف اسلامی رعایت میکنند.

#### ۲ - دورن شمیری:

ترکمنها در ایران از قانون دورن شمیری پیروی می‌کنند و تا حد امکان ترجیح می‌دهند که در این انتخاب، همسر در رابطه نزدیکتری قرار گرفته باشد. بدین ترتیب ازدواجی که بین

فرزندان دو برادر صورت گیرد از اهمیت بیشتری برخوردار است تا ازدواجی که بین دو فامیل دورتر، و به همین ترتیب ازدواج بین افراد یک طایفه اهمیت بیشتری دارد.

مثلاً ازدواج بین یموها بیشتر قابل قبول است تا ازدواج بین یک یموت و یک کوکلان، و در کل ازدواج بین دو ترکمن بیشتر قابل قبول است تا ازدواج یک ترکمن با فرد غیر ترکمن. این اصول همواره برای فردی که بار اول ازدواج می‌کند از اهمیت بیشتری برخوردار است.<sup>(۲)</sup>

بنابراین به منظور تحکیم قومیت و حفظ همبستگی، ازدواج ترکمنها با افراد غیر ترکمن بسیار نادرست و اگر هم صورت بگیرد مورد قبول عرف جامعه نمی‌باشد. در تعیین اولویت انتخاب همسر پایگاه اجتماعی افراد به گونه‌ای مشخص و مرزبندی شده که تنها بر اساس تعلق فرد به طایفه و تیره خاصی قابل تعریف است و در غیر اینصورت پایگاه اجتماعی فرد شاید به هنگام تعیین میزان مهریه عروس مشخص گردد.

#### شیربها و مهریه

شیربها که در لفظ ترکمنی «قیزین باها» به معنی «قیمت دختر» خوانده می‌شود، مبلغی است که از طرف خانواده عروس تعیین شده و داماد باید به هنگام بردن عروس آن مبلغ را نقداً به خانواده وی بپردازد. در گذشته بجای پول، شیربها به صورت مال (گاو، گوسفند، شتر) پرداخت می‌شده است. علاوه بر شیربها پول دیگری نصیب مادر عروس می‌شود که «مال اندرونی» (اجری پول) می‌نامند. یموت‌های «چاروا»<sup>(۳)</sup> قسمت اعظم شیربها را بصورت مال می‌پردازند ولی یموت‌های «چمور»<sup>(۴)</sup> به صورت پول نقد که در سال‌های مختلف فرق می‌کند می‌پردازند. به طور کلی هر چه ارزش



مال بیشتر شود ارزش نقدی شیربها کمتر است، ولی باید ذکر کرد سیر صعودی شیربها خود بخود سن ازدواج را در میان طبقات کم درآمد، بالا می‌برد و این عمل خود مسئله‌ای در جهت کاهش و تحدید جمعیت است.<sup>(۵)</sup>

میزان شیربها بر طبق عرف محل در مناطق مختلف متفاوت است و بر اساس هنجارها و ارزشهای هر طایفه یا تیره تعیین می‌شود. برای مثال در روستای «تنگه ترکمن» و «آمانلی» در منطقه «جرگلان» از توابع بجنورد سهریه یک عروس در این دو روستا تا ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد در صورتیکه دخترشان را به ازدواج فردی از روستاهای دیگر در آوردند قیمت دختر تا ۵۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد.<sup>(۶)</sup> بدلیل بالا بودن میزان شیربها در این دو روستا اهالی اکثراً از خانواده‌ای عروس گرفته و به همان خانواده دختر می‌دهند (ازدواج آتش پشمک) و در نتیجه پول به عنوان شیربها رد و بدل نمی‌شود. با افزایش مسافت بین دو روستا میزان شیربها نیز بالا می‌رود و اصطلاحاً «سوگجن» در مورد آن بکار می‌رود و چنانکه به طایفه دیگری دختر بدهند این مبلغ باز هم افزایش می‌یابد در صورتیکه ازدواج بین دو فامیل نزدیک صورت گیرد مبلغ شیربها کاهش می‌یابد. ایجاد تسهیلات برای افراد خویشاوند ازدواج‌های درون گروهی را تشویق کرده و در جهت حفظ و همبستگی طایفه است.

امروزه بالا بودن میزان شیربها یکی از موانع اصلی در راه ازدواج جوانان ترکمن می‌باشد و این مسئله ضمن آنکه می‌تواند زمینه‌ای در جهت افزایش کجروی باشد، یکی از علل عمده در بالا رفتن سن ازدواج نیز بشمار می‌رود.

#### ۴ - سن ازدواج

سن ازدواج در میان ترکمن‌ها بر اساس

اعتقاد آنان به دین مبین اسلام برای پسران ۱۵ سالگی و دختران ۹ سالگی تعیین شده است. البته گاهی ممکن است پسر و دختری را در بدو تولد با هم نامزد کنند. اختلاف سنی زن و مرد به هنگام ازدواج چندان مطرح نمی‌باشد. چنانکه در بعضی از نقاط دور افتاده گاهی دختر ۱۸ ساله را به همسری پسر ۱۵ ساله در می‌آورند و امروزه نیز ازدواج زن مسن با جوان کم سن و سال و بالعکس در مواردی مشاهده می‌شود. چنانکه در ازدواج (دایقل هاق) زن پس از فوت شوهرش به همسری برادر کوچکتر یا بزرگتر وی در می‌آید. این امر به دلیل باقی ماندن زن در خانواده شوهر صورت می‌گیرد به خصوص اگر زن دارای فرزندی از همسر قبلی خود باشد. در این موارد ممکن است برادر شوهر از زن مسن‌تر یا جوان‌تر و یا حتی متاهل باشد. در مواردی نیز دختران جوان را به عقد پیر مردان در می‌آورند. البته در اینگونه موارد شیربهای معادل چندین برابر میزان معمول شیربها در آن روستا دریافت می‌کنند.<sup>(۷)</sup>

پایین بودن سن ازدواج خصوصاً در گذشته را شاید بتوان با درگیری‌ها و جنگهای بین طوایف مختلف مربوط دانست. ایلات ترکمن در مواقع غارتگری هیچگاه زن شوهرداری را به کنیزی نمی‌برند. این امر باعث شده بود که خانواده‌های ترکمن دختران خود را از همان اوان کودکی نامزد کنند و ازدواجشان را جلو بپندازند. به نظر می‌رسد که «علت اساسی ماندن دختر در خانه پدری‌اش به مدت چند سال پس از عروسی نیز به همین علت باشد زیرا که دختر و پسر آمادگی کافی برای زناشویی ندارند».

امروزه با تغییر در شیوه زندگی ترکمنها و از بین رفتن درگیری بین طوایف، سن ازدواج دختران افزایش یافته و با تغییر در سنتهای این مردم، تغییراتی در نحوه ازدواج آنان نیز به وقوع پیوسته است. به این صورت که مدت زمانی که دختر پس از ازدواج مجدداً در خانه

پدری اقامت می‌کند، به حداقل کاهش یافته است. یکی دیگر از عوامل مؤثر در بالا رفتن سن ازدواج، گرایش به تحصیل خصوصاً در جوامع شهری می‌باشد.

#### ارزشها در انتخاب همسر

ترکمن‌ها در انتخاب همسر عموماً شخصیت مادر دختر را در نظر می‌گیرند. در این رابطه ضرب‌المثلی به کار می‌برند (تخم را بگیر و سر زمین برو) به این مفهوم که تخم خوب انتخاب کن و با خیال آسوده به کشت آن پرداز که حاصل خوبی خواهد داد.

یعنی دختری انتخاب کن که شایستگی مادرش بر تو معلوم باشد. همچنین عقیده دارند که میزان باروری و امکان تولید فرزند مذکور به طور اثری به زن می‌رسد و همین امر موجب می‌شود که در مورد مادر دختر و زنان خانواده دختر دقت به خرج دهند.

به طور کلی توانایی و کارایی زنان در انجام امور زندگی، مهارت در بافتن و نسدمالی، سرخورداری از سلامت و نیروی جسمانی، صبر و پایداری در مقابل مشکلات و سختیها از خصوصیات مورد توجه در ارزیابی زنان بشمار می‌رود.

توانایی مالی مرد در پرداخت میزان شیربها و مخارج ازدواج از شروط اساسی در پذیرش وی از جانب خانواده عروس می‌باشد. علاوه بر آن در تعیین شایستگی مردان نجابت، اصل و نسب خانوادگی، صداقت و درستکاری آنان مورد توجه است.

#### انواع ازدواج

با توجه به خصوصیات اجتماعی مردم ترکمن، ازدواج در میان آنان اشکال مختلفی دارد که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

\* ازدواج به صورت «آتش پشمک» (آتش برش)

یعنی در مقابل دختری که به یک خانواده



عروس و داماد تدارک می‌دیده است که به برکت صاحب‌خانه شدن مراسم خاصی برگزار می‌شد و، دیگران هم می‌توانستند سهمی در تهیه آلاچیق داشته باشند. عروس و داماد نیز در تأمین معاش از حمایت خانواده پدر داماد برخوردار می‌شدند.

### طلاق

عرف جامعه ترکمن در جهت حفظ و تقویت خانواده است. استحکام و قدرت هر خانواده به قدرت و اعتبار طایفه می‌افزاید. هر امری که موجب ایجاد تزلزل در استحکام این واحد اجتماعی شود شدیداً مورد مخالفت اعضا و جامعه قرار می‌گیرد. خانواده به عنوان محلی برای پرورش فرزندان به دلیل کارکرد تولیدی و اقتصادی دارای اهمیت بوده و مورد حمایت جامعه قرار می‌گیرد و به این ترتیب طلاق از سوی جامعه پذیرفته نمی‌شود و ادامه زندگی مشترک تحت سخت‌ترین شرایط پیشنهاد می‌گردد. به همین دلیل طلاق در بین ایرانیان ترکمن به ندرت دیده می‌شود و اصولاً از نظر آنان عملی زشت و ناپسند به شمار می‌رود.

در گذشته نیز عشایر ترکمن طلاق را به شدت مذموم می‌داشتند و مردی که زن خویش را طلاق می‌داد مورد انزجار و نفرت عمومی قرار می‌گرفت. البته طلاق از جانب مرد در مواردی که به خیانت زن خود مشکوک بوده صورت می‌گرفته است، ولی در صورتیکه از

ترجمه: پیراهن بد می‌پوشان، نان جو مخوران، دست راستش را در روغن زرد و دست چپش را در آرد بگذار (کنایه از ثروت). نگذار کسی او را نیش بزنند... مفهوم کلی این اشعار نصیحت به داماد است که همسرش را به نحو احسن نگهداری کند و حافظ وی باشد. روز بعد به جای کلاه دخترانه (بوریک) پیشانی بند پارچه‌ای و دایره شکل به نام «آل دانقی» بر سر عروس می‌گذارند. بعد از دو روز عروس را طی مراسم خاصی به خانه پدرش برمی‌گردانند که در زبان محلی «قایتارماق» نامیده می‌شود و پس از چند روز یا چند سال اقامت در منزل پدری و تهیه جهیزیه، عروس دوباره به خانه شوهر باز می‌گردد. البته امروزه این مرحله از ازدواج در مناطق شهری مانند گنبدکاووس تغییرات زیادی پیدا کرده و مراسم عروسی شباهتهای زیادی با مراسم عروسی سایر مناطق کشور پیدا کرده است.

### محل زندگی پس از ازدواج

در میان ترکمنها رسم است که پس از دو یا سه روز عروس دوباره به خانه پدری باز می‌گردد، که در زبان محلی به آن «قایتارماق» گویند. در گذشته مدت اقامت عروس در خانه پدری گاهی تا ۲ الی ۴ سال به طول می‌انجامیده است و در این مدت عروس به تدارک جهیزه خود می‌پرداخت و به اقتصاد خانواده پدر نیز یاری می‌رسانده در طی این مدت داماد حق نداشت به منزل عروس نزدیک شود و گرنه از طرف خویشاوندان عروس تنبیه می‌شده است. امروزه در بعضی مناطق به خصوص نواحی شهری، طول این مدت به حداقل رسیده و به دو یا ۳ روز کاهش یافته است. در هر حال محل زندگی زوج جوان در خانواده داماد (پدرمکان) می‌باشد. پدر در صورت عدم استطاعت مالی، بخشی از آلاچیق را با پرده جدا می‌کرده و در اختیار آنان قرار می‌داده است و در صورتیکه امکانات مالی داشته پس از مدتی آلاچیق جدیدی برای

مادر داماد بر روی کجاوه و سر عروس آرد می‌باشد و پس از توقف کوتاهی عروس به‌خانه یکی از اقوام داماد برده می‌شود. در این هنگام مدعوین در منزل داماد سرگرم سرور و شادی می‌باشند در هر ساعتی از روز که عروس را به‌خانه داماد بیاورند از آنها با غذایی که «چکدرمه» نامیده می‌شود پذیرایی می‌نمایند. معمولاً عروس را در ساعات اولیه صبح به‌خانه داماد می‌برند و در میان شور و شادی میهمانان به اجرای مراسم سچمک Secmak می‌پردازند. بدین صورت که هر کدام از اقوام داماد شیشی مانند لنگه کفش، کلاه... در میان جمعیت پرتاب می‌کنند و هر کس بتواند آن را بگیرد و به پرتاب کننده تحویل دهد در ازای آن جایزه‌ای که عموماً مبلغی پول می‌باشد، دریافت می‌کند. در مراسم سچمک فقط مردان شرکت می‌کنند و زنان تنها تماشاگر صحنه می‌باشند.

از طرف دیگر مراسمی که در روز عروسی برگزار می‌شود اجرای مسابقه کشتی است و به‌برندگان جوایزی از طرف خانواده داماد تعلق می‌گیرد. کسانی که استطاعت مالی بیشتری دارند در مراسم ازدواج مسابقه اسب‌دوانی برگزار می‌کنند. بعد از ظهر همین روز توسط یکی از روحانیون در خانه داماد خطبه عقد خوانده می‌شود. عروس و داماد هر یک نماینده‌ای جداگانه دارند. که رضایت آنان را به‌شخص روحانی اعلام می‌کنند. بعد از اتمام خطبه عقد قلب گوسفندی را پخته و آن را دو نیم می‌کنند. یک نیمه را عروس و نیم دیگر را داماد می‌خورد و به‌غیر از عروس و داماد کس دیگری حق ندارد از آن بخورد این عمل بیانگر آن است که آرزو می‌کنند عروس و داماد همواره یکدل بوده و باهم اختلافی نداشته باشند. بعد از انجام این مراسم میهمانان به تدریج محل را ترک می‌کنند. قبل از غروب آفتاب دست عروس و داماد را در دست یکدیگر می‌گذارند و برای خوشبختی آنان اشعاری می‌خوانند:

آلاچا کوینگ گید رمه  
آرپه جوروک ایدر مه  
ساغ الی ساری یا غذا  
سول الی سوتی الوندا  
اغزلاقا بندر  
توی بتی لایدر مه...



خیانت وی مطمئن بود، دیگر نیازی به طلاق نبوده بلکه شوهر حق داشته بدون ترس از عقوبت، زن را به قتل برساند. نازائی زن و عدم کارآئی وی نیز به ندرت موجب طلاق می‌شده، در چنین مواردی معمولاً مردان زن دیگری اختیار می‌کردند. در مواردی از ممنوعیت طلاق در بین ترکمن‌ها یاد شده است.

چنانکه آبرونز در گزارشی در مورد ترکمنان چنین نقل می‌کند. طبق ادعای ترکمنها طلاق در بین آنها ممنوع است. از ۱۹۴ ازدواج که در بین «اجی توبها» به وقوع پیوسته ۹۱ مورد با سرگ یکی از دو همسر خاتمه یافته و فقط در یک مورد طلاق صورت گرفته که آنهم مربوط به ازدواج بین یک مرد ترکمن با یک زن غیر ترکمن بوده است. این زن که نزدیک به ۲۰ سال داشت با یک مرد ترکمن ۶۹ ساله بیوه در مقابل ۷۰۰ تومان شیربها ازدواج کرده بود (این مبلغ کمتر از ۱/۳ شیربهای یک زن ترکمن بود) این زن با آنکه یکی از لهجه‌های ترکی را به عنوان زبان مادری صحبت می‌کرد، با اینحال مرتباً به این بهانه که از آداب و رسوم ترکمنها پیروی نمی‌کند مورد سرزنش و ملامت قرار می‌گرفت. در نتیجه این سرزنشها سرانجام دیوانه شد. پس از گذشت چند ماه شوهرش او را طلاق داد و نزد برادرش فرستاد و از طرفی تقاضای ۷۰۰ تومان را نمود.

این روایت اولاً به تعداد کم طلاق در بین ترکمنها اشاره دارد و از سوی دیگر آنچه که

موجب طلاق شده است، عدم پذیرش فرد غیر ترکمن از جانب آنان بوده است، زیرا ازدواج در بین ترکمنها «درون همسری» است و همین امر خود موجب استحکام پیوندهای ازدواج می‌گردد. هنگامی که ازدواج بین خویشاوندان و افراد هم طایفه صورت می‌گیرد، احتمال وقوع طلاق بسیار کم است. از عوامل دیگری که در پایین بودن میزان طلاق مؤثر است، می‌توان به پابندی زنان ترکمن به زندگی مشترکشان اشاره کرد. زن ترکمن تحت سخت‌ترین شرایط با صبر و بسردباری به زندگی مشترک ادامه می‌دهد و از هیچ تلاشی جهت رفاه خانواده خود و خصوصاً فرزنداناش دریغ ندارد. حق طلاق در گذشته در اختیار مردان بوده است. چنانکه حتی در مواردی یک فرد روحانی از جانب شوهر آیه طلاق را کتیباً به روی کاغذ نوشته و به زن می‌داده است. و در آن صورت زن باید خانه شوهر را ترک می‌کرد و گاهی طلاق به طور شفاهی به وسیله شوهر صورت می‌گرفت. در بین پیروان اهل تسنن برای طلاق گواه لازم نیست، مگر اینکه زن قبل از ازدواج شرط کند که مرد نمی‌تواند بدون رضایت وی او را طلاق دهد.

البته امروزه با دگرگونی در بافت سنتی جامعه، محدودیت‌هایی که از جانب طایفه در مورد طلاق اعمال می‌شد، کاهش یافته‌اند، در مواردی زنان نیز از حق طلاق برخوردار می‌باشند. از علل تعدد طلاق در حال حاضر می‌توان اعتیاد به مواد مخدر و ناسازگاری زوجین را نام برد.

#### منابع و توضیحات:

- ۱ - رحمت الله بنی اسدی - شعر و مردم - تدوین شده در مرکز فرهنگ مردم - سروش - تهران ۱۳۵۹.
- ۲ - منیزه مقصودی - خلاصه‌ای از پایان‌نامه دکترا - سازمان اجتماعی ترکمنهای یموت: نهاد خانواده و ازدواج - دانشگاه سوربن - پاریس (رنه

دکارت) آوریل ۱۹۸۷.

۳ - عشایر «چاروا» به کار دامداری اشتغال داشتند و به اقتضای بسه خود بدنبال مرتع بیشتر در حال کوچ بودند.

۴ - «جمهور»: جموران عموماً اسکان یافته و به کار کشاورزی می‌پردازند و از راه زراعت امرار معاش می‌کنند.

۵ - مجله مردم‌شناسی، تابستان ۵۳: نقل از کتاب بررسی در تاریخ سیاسی - اجتماعی ترکمن‌ها تألیف امین الله گلی ۱۳۶۶.

۶ - اطلاعات مربوط به زمستان ۶۶ و در میان طایفه تندرلی می‌باشد. (مصاحبه نگارنده با افراد مطلع بومی).

۷ - در روستای آی تیر (از روستاهای ترکمن نشین) دختر ۱۷ ساله‌ای را به عقد پیرمردی ۷۰ ساله در آورده بودند. مهریه این دختر ۴۰۰،۰۰۰ تومان بود که چندین برابر میزان معمول در آن روستا است. (مصاحبه نگارنده با یکی از افراد مطلع محلی در پاییز ۱۳۶۶).

۸ - ناصحی، اسماعیل - گزارش سفر به ترکمن صحرا (روستای کرند) پایان‌نامه لیسانس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ۱۳۵۹.

۹ - رسم برپایی آلاچیق به مناسبت مراسم عروسی امروزه نیز در روستاهای ترکمن صحرا اجرا می‌شود. هر چند دیگر کمتر از آلاچیق به عنوان محلی برای زندگی استفاده می‌شود و بیشتر جنبه حفظ سنن را دارد.

۱۰ - بر طبق نظر فقهاء اربعه اهل سنت، حتی اگر کسی بزنی خود بگوید «تو بر من حرامی» و بسا بگوید «برو با دیگری ازدواج کن» و یا اینکه بگوید «برو منزل پدر و یا فامیل خودت»، معتقدند که با ذکر این گفتار طلاق صورت خواهد گرفت خواه مقید بوده و یا مطلق باشد مانند اینکه بگوید اگر از خانه بیرون بروی مطلقه هستی و یا اگر فلان کار را انجام بدهی مطلقه باشی و چنانکه صاحب کتاب «تأسیس النظر» از مالک نقل می‌نماید که اگر کسی عزم و قصد بر طلاق بنماید و هنوز به لفظ نیاورده باشد طلاق واقع می‌شود.

#### سایر منابع مورد استفاده:

- ۲ - سکندر امان‌اللهی - کوچ‌نشینی در ایران
- ۳ - فصلنامه کوچ - ترکمن‌های ایران
- ۴ - محمدباقر صدر - حقوق مدنی زوجین